

Legal-Political Challenges of Citizenship Rights in the Constitutional Era from the Perspective of Jurists and Thinkers and Its Effective Guarantee in the Constitutional Rights of the Islamic Republic of Iran

Received: 2021-04-05

Accepted: 2021-07-03

Younes Fathi*

Behrouz Sa'adati Rad**

(334-356)

The Constitutional Revolution was a great revolution in the institutionalization of the concept of civil rights; Which was diverted by passing through the disputes between the proponents and the opponents in its formation. Hence, the question is, given the challenges of civil rights in the Constitutional Revolution, what is the guarantee of the Islamic Revolution to get out of them? This article seeks to compare the two eras of the Constitution and the Islamic Revolution in the field of civil rights in a comparative way in order to discover its challenges and seeks to answer the above question. The main hypothesis is based on this: in the constitutional era, the emergence of differences between the elites and the deviation of public opinion hindered the development of civil rights and in the Islamic Revolution, the constitutional legislature, considering the roots of this concept in jurisprudential rules, considered ways to expand and develop this concept. The most important findings indicate that in the constitutional era, in addition to the existing differences, in terms of quality and quantity of implementation of the constitutional amendment, absolute monarchy was considered a serious obstacle. After the Islamic Revolution, to compensate for such shortcomings, attention to Islamic jurisprudence and standards as one of the ways to ensure and overcome the challenges of civil rights in the previous systems was considered by the leaders of the revolution and most importantly the constitution as a national covenant and legal document.

Keywords: Citizenship Rights, Constitutional Era, Pros and Cons, Islamic Revolution, Islamic Sharia.

* Assistant Professor of Law, Bu Ali Sina University of Hamadan, Hamedan, Iran (Corresponding Author): u.fathi@basu.ac.ir.

** Graduate of Master of Public Law, Bu Ali Sina University of Hamadan, Hamedan, Iran: behrouzsaadatirad@yahoo.com.



سال نهم، شماره ۴، نوزدهم بهار و تابستان ۱۴۰۰

تحلیلی بر نهادینه شدن مفهوم حقوق شهروندی در انقلاب مشروطه و تضمین مؤثر آن در انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۲

یونس فتحی*

بهرروز سعادت‌ی‌راد**

(۲۳۴-۲۵۶)

چکیده

انقلاب مشروطه انقلابی بزرگ در نهادینه شدن مفهوم حقوق شهروندی بود که با گذار از جدال‌های صورت‌گرفته میان موافقان و مخالفان در تکوین آن، به انحراف کشیده شد. از این رو، پرسش این است که ضمن توجه به چالش‌های حقوق شهروندی در انقلاب مشروطه، تضمین انقلاب اسلامی جهت برون‌رفت از آنها چیست؟ این مقاله با روش تحقیق تطبیقی، درصدد مقایسه دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی در زمینه حقوق شهروندی به منظور پاسخ به پرسش مذکور است. فرضیه اصلی بر این مبنا استوار است که در عصر مشروطه بروز اختلافات میان نخبگان و انحراف افکار عمومی مانع تکوین حقوق شهروندی شد، و در انقلاب اسلامی قانون‌گذار اساسی ضمن توجه به قواعد فقهی، راه‌های بسط و تکوین این مفهوم را مد نظر خود قرار داده است. مهم‌ترین یافته‌ها حاکی از آن است که در عصر مشروطه از حیث نظری، علاوه بر اختلافات موجود، از حیث کیفیت و کمیت عملیاتی شدن متمم قانون اساسی نیز سلطنت مطلقه مانعی جدی به‌شمار می‌رفت. بنابراین، پس از انقلاب اسلامی، جهت جبران این‌گونه کاستی‌ها، توجه به فقه و موازین اسلامی به‌عنوان یکی از راه‌های تضمین حقوق شهروندی در نظام‌های پیشین و برون‌رفت از چالش‌های آن، مد نظر حقوق اساسی جمهوری اسلامی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، عصر مشروطه، روش تطبیقی، انقلاب اسلامی، شریعت اسلامی.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینای همدان، ایران (نویسنده مسئول): u.fathi@basu.ac.ir.
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه بوعلی سینای همدان،
ایران: behrouzsaadatirad@yahoo.com.

مقدمه

از بدو پیدایش دوران تجدد در غرب، همواره مفاهیم نوینی بر محورهای همچون دموکراسی، آزادی و فردگرایی در راستای اعطای حقوق بنیادین به افراد زایش یافت که همه آنها تأکید بر نظم، برابری و قانون‌گرایی داشتند. تحولات صورت‌گرفته منجر به ورود مفاهیم مدرنی همچون حقوق فردی به جامعه عقب‌مانده از تحولات غرب ایران پیش از انقلاب مشروطیت شد؛ به طوری که می‌توان گفت بحث ورود مفاهیم مدرنی همچون آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی اجتماعات و برابری در صدر اصولی قرار گرفت که اندیشمندان مدرن‌گرای ایرانی در پی ورود آنها از غرب مدرن به نظام حقوقی ایران و تکوینشان بودند. ورود مفاهیم مدرن از دوره قاجار نظام حقوقی ایران را دچار تحولات گسترده‌ای کرد که سامان فکری ایرانیان را درگیر خود ساخت؛ چنان‌که عمده این درگیری‌ها را می‌توان در آثار و مکتوبات انتقادی فقها و نخبگان عصر مشروطیت جست‌وجو کرد. اما رفته‌رفته طی رخدادهایی که در بدنه جامعه ایرانی تحت تأثیر حاکمیت مستبد رخ داد، برخی چالش‌های حقوقی-سیاسی به‌خصوص اجرای متمم قانون اساسی مشروطیت و اصول مرتبط با حقوق شهروندان را با انحراف مواجه کرد. اما نکته جالب توجه اینکه با پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها سایه آن حاکمیت استبدادی برای همیشه از سر ایران برداشته شد، بلکه با بهره‌گیری از شریعت اسلامی در مهم‌ترین اسناد آن نظیر قانون اساسی، به اعطای حقوق به شهروندان توجه شد.

پرسشی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود، اینکه انقلاب اسلامی چگونه و با چه سازکارهایی باعث تضمین حقوق شهروندی در جامعه اسلامی و برون‌رفت از چالش‌های آن شده است؟

بررسی پیشینه تحقیق و پژوهش‌های انجام‌شده در بحث اعطای حقوق به شهروندان در دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر جهت پاسخ به پرسش مذکور، ضرورت انجام این تحقیق، حل مشکلات نظری و درنهایت نوآوری و تکمیل مباحث مطرح‌شده در این حوزه باشد. از این رو، نگارندگان در ابتدا به بررسی برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته مرتبط با موضوع خواهند پرداخت.

احمد طباطبایی در مقاله‌ای با عنوان «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران»، منتشر شده در مجله رهیافت‌های انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۸، صرفاً به ابعاد مختلف تضمین حقوق شهروندی در قانون اساسی توجه داشته است. در دیگر آثار که از منظر فقهی و اسلامی به مسئله تکوین حقوق شهروندی پس از انقلاب اسلامی اشاره شده است، می‌توان به مقاله جهانگیر طولابی و محسن علیزاده با عنوان «بررسی حقوق شهروندی از منظر فقهی و حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران» اشاره کرد که در آن نویسندگان به بررسی وضعیت شهروندی در مراجع انتظامی و قضایی توجه کرده‌اند. در بررسی دیگر جنبه‌های فقهی-حقوق شهروندی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «حقوق شهروندی اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر قاعده احسان»، منتشر شده به سال ۱۳۹۹ در فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، نویسندگان (محمدرسول آهنگران و همکاران) به ظرفیت‌های قاعده احسان در حوزه حقوق شهروندی و حوزه زندگی سیاسی-اجتماعی شهروندان اشاره کرده‌اند.

علاوه بر بررسی‌های فقهی مذکور، به آثار دیگری نیز می‌توان اشاره کرد که از منظر حقوق اداری، حقوق اساسی و قانون اساسی، به‌عنوان مهم‌ترین منبع آن به مسئله حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران توجه داشته‌اند. در این خصوص نیز نگارندگان با بررسی مقالات مرتبط با موضوع، نظیر مقاله «ریشه‌های ملی و بین‌المللی چالش‌های حقوق شهروندی در ایران» (نوشته سروش امیری، منتشر شده در فصلنامه سیاست، در تابستان ۱۳۹۵)، «بررسی اصول و مبانی حقوق شهروندی در نظام اداری ایران» (نوشته علی سلیمی، منتشر شده در مجله بین‌المللی پژوهش ملل، در اسفند ۱۳۹۶) و «جایگاه منشور حقوق شهروندی در منابع حقوق ایران» (نوشته زهرا افتخاری‌پور و وحید آگاه، منتشر شده در مجله سپهر سیاست، در پاییز ۱۳۹۷)، ضرورت بررسی مسئله نهادینه شدن مفهوم حقوق شهروندی را در ایران عصر مشروطه و انقلاب اسلامی و تمایز آن با آثار مذکور را بیان داشته‌اند. مقوله حقوق شهروندی در اغلب نوشته‌های مذکور دیدگاه‌هایی مبتنی بر قانون اساسی پیش و پس از انقلاب اسلامی است، و به چالش‌های نظری و اختلاف فقیهان در نظام‌های پیشین به‌عنوان سنگ بنای بومی‌سازی این مفهوم در ایران و نحوه تضمین آن از طریق به‌کارگیری موازین فقه و شرع در نظام قانونی فعلی توجه نشده است.

پس، این پژوهش در صدد است با روش تطبیقی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و

ضمن توجه به اسناد و منابع مرتبطی نظیر قانون اساسی، به بیان مسئله بپردازد. از این رو، بررسی موضوع در قالب سه بخش کلی، محور واکاوی چالش‌های حقوقی-سیاسی مفهوم حقوق شهروندی در ایران معاصر قرار خواهد گرفت: در بخش نخست، به بررسی چهارچوب نظری مرتبط با مسئله حقوق شهروندی خواهیم پرداخت؛ سپس در بخش دوم، چالش‌ها و جدال‌های نهادینه شدن حقوق شهروندی در ایران عصر مشروطه ارزیابی خواهد شد؛ در بخش پایانی نیز نحوه تضمین حقوق شهروندی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.

چهارچوب نظری

اعطای حقوق به شهروندان یک دولت-ملت از مباحثی است که در حقوق اساسی همه کشورهای بر آن تأکید شده است. همان‌گونه که گفته شد، آغاز این بحث را باید در مدرن شدن جوامع غربی دانست. چنان‌که در ادامه اشاره خواهیم کرد، درباره چگونگی شکل‌گیری مفهوم اعطای حقوق به شهروندان در نظام حقوق اساسی ایران، باید به زمان مشروطیت و نخستین سنگ بنای ورود مفاهیم مدرن مرتبط با اعطای حقوق به ملت رجوع کرد.

برای نخستین بار حقوق اساسی مشروطه با بهره‌گیری از مفاهیم مدرن غربی و طی جدال‌های صورت‌گرفته میان اندیشمندان و فقها، اعطای حقوق به شهروندان را در متمم قانون اساسی مشروطه برای ملت ایران در نظر گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به دور از هرگونه افراط و تفریطی، نه همانند حکومت‌های پیش از انقلاب اسلامی، به طور کلی اعطای حقوق به شهروندان را در عرصه عمل نادیده می‌گیرد، نه اینکه این حق خدادادی را از متن اجتماع حذف می‌کند. به بیان دیگر، بدان دلیل که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام به سمت‌وسوی اسلامی کردن همه مفاهیم و مبانی نظام حقوق اساسی گرایش داشت، در یکی از اساسی‌ترین برنامه‌ها یعنی تدوین قانون اساسی، به حقوق بیشتر مردم با تأکید بر شریعت اسلامی توجه خاصی شده است؛ چنان‌که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول نوزدهم تا چهل و دوم، به بیان و بررسی و اعطای حقوق به شهروندان پرداخته است؛ به‌علاوه

اینکه نوع حقوق در نظر گرفته شده برای ملت، در دو نظام حقوقی مشروطه و انقلاب اسلامی، تا حد چشمگیری از نظر کیفی و ارزشی تفاوت یافت. برای مثال، درباره حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی، با توجه به اینکه جامعه دارای سابقه همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان مختلف است، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که مورد توجه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است. این در حالی است که در نظام حقوق اساسی مشروطیت و قانون اساسی آن حتی نامی از این اقلیت‌های دینی به میان نیامده است؛ چه رسد به اینکه برای آنان حقوقی نیز در نظر گرفته شود.

با توجه به رویکردهای متفاوت هر دو نظام حقوقی-سیاسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، که به ترتیب مفاهیم و پایه‌های اصلی زیست شهروندان را از مفاهیم مدرن و شریعت اسلامی اتخاذ می‌کنند، در بخش‌های آتی این مقاله به بررسی چگونگی بنا نهادن حقوق شهروندی در تحولات عصر مشروطیت و به دنبال آن، رفع کاستی‌های این مفهوم در نظام جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. پس ضروری است برای دستیابی به این مهم که در آن اعطای حقوق به شهروندان به سه بخش حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی تقسیم شده است، در تبیین هرچه بهتر موضوع و پیش از ورود به بحث اصلی، نگاهی اجمالی به شاخص‌های مفهوم حقوق شهروندی بیندازیم تا از آنها به عنوان معیار و مبنای بومی‌سازی مفهوم حقوق شهروندی در دوره مشروطه و تضمین آن در انقلاب اسلامی بهره‌گیریم.

از این رو، مطابق برخی تئوری‌های ارائه شده، به طور کلی شاخصه‌های حقوق شهروندی در بردارنده سه دسته حقوق به این شرح است:

الف) حقوق مدنی: حقوق مدنی عبارت است از حفظ آزادی‌های فردی که شامل آزادی شخصی، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عقیده و... است؛

ب) حقوق سیاسی: حقوق سیاسی نهادهای در بردارنده حق توسعه پارلمان، شورای حکومت محلی و... است که در قرن نوزدهم تشکیل شدند؛

پ) حقوق اجتماعی: حقوق اجتماعی در قرن بیستم و در شکل مدرن خود با تشکیل نهادهای دولت رفاه شامل نظام ملی آموزش همگانی، خدمات بهداشتی و اجتماعی توسعه یافته‌اند (نش، ۱۳۸۸: ۱۹۰).

باتوجه به مطالب گفته شده، در ادامه سعی بر این خواهد بود که حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی را که در نظام مشروطه و جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم ترین شاخص های حقوق شهروندی آمده است بررسی کنیم تا در نهایت اصول مطرح شده در دو نظام را با هم مقایسه کنیم و در کنار هم قرار دهیم و مطابق آنها وجوه اشتراک و افتراق هر دو نظام به صورت منفک مشخص شود.

حقوق شهروندی در ایران عصر مشروطه

باتوجه به اینکه مفهوم حقوق شهروندی در ابتدا از طریق آشنایی نخبگان و اندیشمندان ایرانی با جوامع غربی مدرن وارد نظام حقوق اساسی ایران شده، لازم است دیدگاه های نخبگان و اندیشمندان ایرانی را به عنوان نخستین اشخاصی که تفکرات حقوقی مدرن را به ایران وارد و منبع اصلی و مرجع تفکراتشان را از اندیشه و فلسفه غرب اقتباس کردند بررسییم و سپس نحوه به چالش کشیدن آن را از سوی فقهای این عصر تشریح کنیم.

۱. دیدگاه های اندیشمندان؛ سنگ بنای ورود مفهوم حقوق شهروندی در ایران عصر

مشروطه

مفهوم حقوق شهروندی در قرن معاصر، با نهضت مشروطه خواهی و با محوریت تقابل میان دو جریان فکری مدرنیته و فقهی، به نظام حقوق اساسی ایران وارد شد. چنان که می توان گفت، در اثنای این انقلاب بزرگ دو گرایش متفاوت در جریان تحول نظام حقوقی-سیاسی ایران شکل گرفت: یکی گرایش مدرنیته و طرف داران مشروطه خواهی و دیگری گرایش مخالف مدرنیته و مفاهیم مرتبط با آن و طرف دار مشروعه خواهی (مرادخانی، ۱۳۹۶: ۳۰۰). هریک از دیدگاه های مطرح شده را می توان به چند دسته تقسیم کرد:

الف) مستشارالدوله: از نخستین اندیشمندانی بود که درباره ورود مفاهیم مدرن به ایران تأمل کرد و در سال ۱۲۸۶ رساله معروف یک کلمه را نوشت. نخستین اصلی که در این رساله و درباره اعطای حق به شهروندان بیان شد، «مساوات در محاکمات در اجرای قانون» است. مستشارالدوله این اصل را چنین تعریف می کند: «مساوات در محاکمات و مراعات در اجرای قانون یعنی اجرا شدن احکامی که در قانون نوشته شده و در حق اعلا و ادنا و ضیع

و شریف و قوی و ضعیف، به طریق مساوات باشد» (مستشارالدوله، ۱۳۹۳: ۶). علاوه بر این، مستشارالدوله در خصوص مفهوم اعطای حق‌ها به شهروندان، به بحث «حریت شخصی افراد» اشاراتی داشت و بر این باور بود که «حریت شخصی یعنی هرکس حر و آزاد است و کسی را مجال تعرض نیست». او در تبیین این بند و از حیث اعتباربخشی به مسئله اعطای حق‌ها به شهروندان بیان می‌دارد:

حریت شخصیه است یعنی بدن هر انسانی آزاد می‌باشد و هیچ احدی نمی‌تواند سیلی و مشت به کس دیگری بزند و یا او را دشنام و فحش بدهد. احدی را درون خانه کسی حق دخول و تجسس نیست و هیچ کس را به گناه دیگری عقوبت نمی‌توان کرد و کسی را به ظن مجرد نمی‌توان گرفت و حبس نمود (همان: ۳۰).

مستشارالدوله در آن برهه زمانی به دلیل وجود شرایط حاکمیت سلطنت مطلقه بر جامعه ایرانی، در تعریف خود از حق‌های شهروندان، از یک طرف فرد و از طرف دیگر حاکمیت را مد نظر قرار می‌دهد تا از این طریق، به ابعاد و زوایای مختلف اعطای حقوق به شهروندان بپردازد (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۲۲۰). البته باید توجه کرد که مستشارالدوله تمام تلاش خود را بر این می‌گذارد که حقوقی را که از فرانسه اقتباس کرده با حقوق اسلامی که بر جامعه ایران حاکم بوده است تطبیق دهد؛ اما در عمل به نوعی آشفتگی دچار شد، که علت آن را می‌توان در بی‌توجهی به تفاوت‌های مبنایی مفاهیم مدرن غربی با مفاهیم مندرج در فقه و شریعت اسلامی و ساختار حاکمیتی جامعه ایرانی جست‌وجو کرد؛

ب) میرزا ملکم‌خان: از نخستین تلاش‌هایی که او در راستای جریان تحول‌گرایی به‌ثمر رسانده بود، دفتر تنظیمات است؛ چنان‌که به دنبال این مهم، او با نگارش مقالات فراوانی در آشنایی جامعه سنتی ایران با غرب مدرن، تلاش‌های فراوانی کرد (همان: ۱۷۰). ملکم‌خان از روشن‌فکرانی به‌شمار می‌رفت که همانند بیشتر متفکران قرن نوزدهم، به حقوق طبیعی و اعطای آن به شهروندان اعتقاد داشتند؛ چنان‌که با اهمیت دادن بدین موضوع، مکرراً در آثار و تألیفات خود واژه اعطای حق به شهروندان را به‌کار برده است (همان: ۱۵۱). او اعطای حق به اعضای ملت را با واژه آزادی به‌کار برده و بر این باور است: «برای توضیح معنای آزادی، اول باید ابتدا این معنا را فهمید که در عالم هیچ حق و هیچ تکلیفی نیست که حد

معینی داشته باشد و حد آزادی این است که آزادی هیچ کس به حق هیچ کس خلی وارد نیآورده است» (همان: ۱۴۵).

به عبارتی می توان گفت ملکم خان به حقوق آدمیت که تعبیر دیگری از حقوق شهروندان است، به کرار پرداخته است؛

پ) میرزافتحعلی آخوندزاده: آخوندزاده نسبت به دیگر اندیشمندان هم عصر خود، به صورت جدی به مفهوم حق و اعطای آن به شهروندان پرداخته، اما گاهی مفهوم آزادی را به جای اعطای دیگر عناصر و مفاهیم مرتبط با حقوق شهروندان به کار برده است؛ چنان که بر این باور بود که «هر فرد آدمی که قدم به عالم هستی نهاد، باید به حکم عقل سلیم از نعمت حریت کامله بهره مند شود». بنابراین، تأکید وی حریت را شامل دو قسم می دانست: «یکی حریت روحانیه و دیگری حریت جسمانیه». از نظر او، با تجمیع حریت روحانی و جسمانی، حریت کامله انسانی به دست خواهد آمد؛ اما باید توجه کرد که هریک از آنها فروع متنوعی دارد، که در کتاب های میسوطه فرنگستانیان مشروح است، و مساوات عبارت از وجود این دو ماده است (آخوندزاده، ۱۳۷۵: ۴۵۲-۴۵۳). با توجه به تفکر و اندیشه آخوندزاده، باید اذعان داشت که او باور داشت حریت شهروندان در جامعه ایران، نه تنها به چشم نمی خورد، بلکه از لذت مساوات و نعمت حقوق بشر نیز محروم مانده اند؛

ت) میرزا آقاخان کرمانی: کرمانی از روشن فکران و نظریه پردازانی بود که همسو با دیگر روشن فکران هم عصر خود دو رکن اصلی اعطای حقوق به شهروندان جامعه سنتی ایران را آزادی و برابری می دانست. وی بر این باور بود که «آزادی آن است که هیچ کس در هیچ عالمی اعتراض بر دیگری نکرده، کسی را با کسی کاری نباشد و هیچ کس از دایره حدود شخصی خود تجاوز ننماید. پس آزادی در معنای نبودن قید و شرط است در اعمال آدمی». از دیگر تأکیدات میرزا آقاخان بر مفاهیم مرتبط با اعطای حقوق به شهروندان، می توان به توجه او به اصل مساوات اشاره کرد، که تأکید بر این اصل از سوی او مبین التزامی است که به حقوق طبیعی انسان ها داشت (آدمیت، ۱۳۵۶: ۱۱۳). نکته ای که باید متذکر شویم اینکه میرزا آقاخان در شرح و تبیین مفهوم حق و چگونگی اعطای آن به شهروندان جامعه ایرانی که تحت سلطه حاکمیت مستبد بودند، تفکیک دقیقی ارائه نداده است. از این رو، می توان گفت

عدم شناخت و تبیین ابعاد مختلف حق‌های بشری از یکدیگر، یکی از ضعف‌های بزرگ نظریات مدرن او به‌شمار می‌آید؛ چنان‌که به‌نظر می‌رسد او مفهوم حق را صرفاً به حق آزادی فروکاسته است؛

ث) عبدالرحیم طالبوف: طالبوف نیز از دیگر اندیشمندان عصر مشروطیت ایران است که به حقوق طبیعی افراد جامعه تأکید داشت؛ چنان‌که به گفته او، این حقوق در بدو تولد آدمی، به او تعلق خواهد گرفت و اهمیت آن تا بدانجاست که هرگز نمی‌توان به آن تجاوز کرد. همچنین درباره اعطای حقوق به شهروندان، این‌چنین می‌نویسد:

حق یعنی حقیقت، عبارت از آن قوه ششمی باطن انسان است که برای او عضو مخصوص چون سایر قوا خلق نشده و چون منتها و متکای هر چیز به حق است، از آن جهت قائم به ذات است. حق از روز ولادت تا هنگام وفات با خود آدم تولید می‌شود و متدرجاً تعلق او به حد تصادف او با حق شخص ثانی در آیینۀ مرور ایام مرئی می‌گردد (طالبوف، ۱۳۹۶: ۸۴).

وی سپس اشاره به حق آزادی می‌کند و بر این باور است که «آزادی یعنی مختار بی‌قید و حر مساوات یعنی برابری، بی‌تفاوتی، و اینها مظاهر ظاهری این الفاظ هستند؛ ولی معنای حقیقی آنها تعظیم شرف نفس، و همان‌قدر از آن دیگران است که آزادی و مساوات می‌گویند و یکی بدون وجود دیگری معنا و مفهومی نخواهد داشت» (همان: ۹۲). طالبوف در اینجا از حق آزادی برای شهروندان سخن به‌میان می‌آورد. در واقع، تأکید او بر حق آزادی، به‌عنوان امری است که تحقق یافتن آن منوط به مساوات یا برابری اشخاص در مقابل قانون است؛ چنان‌که وجود یکی بدون دیگری میسر نخواهد بود (آدمیت، ۱۳۶۳: ۳۵).

توضیح این مطلب لازم است که مباحثی که اندیشمندان در زمینه مفهوم اعطای حق‌ها به شهروندان در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی و ورود این مفهوم مدرن به نظام فقهی و حقوقی ایران ارائه داده بودند، پیش‌زمینه و باب‌فתיح بود که فقها در زمینه فقهی بدان وارد شوند و درباره آن اظهارنظر کنند؛ اظهارنظرهایی که بعضاً این دست از مفاهیم مدرن را به‌چالش کشاند تا در نهایت منجر به مدون شدن و بومی‌سازی آن شد. در واقع، اگر نبود آن جدال‌ها و مناقشات، شاید مفهوم بومی‌سازی شده حقوق شهروندی به شکل امروزی نیز وجود نداشت.

در ادامه به شرح این مخالفت‌ها خواهیم پرداخت.

۲. نقش انتقادات، جدال‌ها و دیدگاه‌های فقهای عصر مشروطه در به‌چالش کشیدن مفهوم حقوق شهروندی و نهادینه شدن آن

چالش‌ها و جدال‌ها از جایی آغاز شد که پس از سفرهای نخبگان جامعه ایرانی به جوامع غربی و آشنایی آنها با مفاهیم مدرنی همچون حقوق شهروندی و نهادینه کردن آن از طریق قانون اساسی و تشکیل مجلس قانون‌گذار، شیخ فضل‌الله نوری از قرائت‌های فرنگ‌رفتگانی نظیر میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، میرزا ملک‌خان و دیگر همفکران آنها درباره مفاهیم وارداتی مشروطه و اعطای حق مساوات و برابری به شهروندان جهت تحقق حقوق آنها مطلع شد و به تفاوت کامل این مفاهیم مدرن با شریعت اسلامی پی برد. از این رو، شیخ فضل‌الله نوری با ورود مفاهیم مدرن به نظام حقوقی-سیاسی ایران و تحقق مشروطه مورد نظر این دست از نخبگان سیاسی، علم مخالفت برافراشت و آن را به جدال و چالش کشید (نجفی، ۱۳۷۸: ۲۰۰). ضمن اشکالات فراوانی که شیخ به مشروطه و مفاهیم مرتبط با آن وارد می‌کند، بعضاً بحث از حق‌های اعطایی به شهروندان را نیز به‌چالش می‌کشد. به بیانی، می‌توان گفت شیخ تساوی حقوق آحاد تشکیل‌دهنده جامعه را به‌عنوان یک اصل کلی که مد نظر اندیشمندان به‌عنوان یک مفهوم وارداتی بود، به‌نقد می‌کشد و به‌طور کلی آن را خلاف شریعت اسلامی می‌داند (آبادیان، ۱۳۷۴: ۴۵).

از دیگر اصول مدرن و وارداتی که مرحوم شیخ از آن انتقاد کرد اصل آزادی بیان است. وی در این زمینه بر این باور بود:

ماده دیگر که در این ضلالت‌نامه است آزادی قلم و آزادی مطبوعات است. بعد از تغییرات و تبدیلات عین این عبارت است: «عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد[ند] و ممیزی در آنها ممنوع است». به موجب این ماده، بسیاری از محرّمات ضروری‌الحرمه تحلیل شد؛ زیرا که مستثنا فقط دو امر شد و حال آنکه یکی از محرّمات ضروریه افتراست و یکی از محرّمات مسلمة غیبت از مسلم است و همچنین قذف مسلم و ایذا و سب و فحش و توهین و تخویف و تهدید و نحو آن (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۱۶۲).

اگرچه شیخ فضل‌الله نوری دیگر اصول وارداتی و مدرن نظیر اصل مساوات را نیز نقد کرد، مرحوم نائینی به‌رغم دیدگاه‌هایی که مد نظر داشت، ذیل بحث از اصل مساوات که آن را «اشرف قوانین مبارکه مأخوذه از سیاسیات اسلامیه» می‌داند، عناوینی از حق‌ها را نام می‌برد که از منظر ایشان عناوین اولیه مشترک بین عموم مردم محسوب می‌شود. امنیت بر نفس و عرض و مال و مسکن، عدم تعرض بدون سبب و تجسس نکردن از خفایا، حبس و نفی نکردن بی‌موجب، ممانعت نداشتن از اجتماعات مشروع، به‌عنوان مثال از حقوقی محسوب می‌شوند که تمام مردم بدون در نظر گرفتن صفتی عارضی، از این حقوق برخوردار هستند (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

در مقابل طرز تفکرات نگاشته‌شده، واکنش برخی دیگر از علمای معاصر شیخ فضل‌الله نوری و مخالفان مفاهیم مدرن و وارداتی عصر مشروطیت وجود داشت که قائل به مشروطه مشروع بود، که در رأس آنها آخوند خراسانی و همفکرانش قرار گرفته بودند؛ تا جایی که این دست از فقها در پاسخ به انتقادات شیخ، حکم ارتداد و اعدام او را صادر کردند. در پی این چالش‌ها و جدال‌های فکری، جریان‌هایی همچون سلطنت‌طلبان، روشن‌فکران و استعمارگران به دنبال موفق نشدن جریان‌های مذهبی و دخالت در بومی‌سازی و تحول نظام حقوقی-سیاسی ایران مطابق میل و اختیار خود بودند. هرچند در ظاهر سلطنت‌طلبان وانمود به موافقت با مشروطه و نهادینه شدن مفاهیم مدرنی همچون اعطای حقوق به ملت می‌کردند، دیری نپایید که پشت پرده این ظاهرسازی‌ها نمایان شد؛ چنان‌که می‌توان اقدام محمدعلی شاه قاجار در به توپ بستن مجلس را گواهی بر این مدعا دانست (روحانی، ۱۳۹۳: ۹۰).

علاوه بر این، روشن‌فکران نیز از به‌قدرت رسیدن جریان‌های مذهبی ترس فراوانی داشتند و از قرار گرفتن اختیارات امور به دست فقها هراسان بودند (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۹). پس، در این میان، جریان استعمار فرصت پیش‌آمده را مغتنم شمرد و با دخالت‌های خود، به این اختلافات جهت‌دستیابی به منافع مدنظر خویش دامن زد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱، ج ۱: ۵۰۰). توضیح این مطلب لازم است که دیری نپایید که آن جدال‌های اولیه فقهای مشروطه‌خواه به چیستی یا اظهارنظر در خصوص ورود مفاهیم مدرن غربی و اعطای حق‌ها به عامه ملت

فروکش کرد؛ چنان‌که پس از اعدام شیخ فضل‌الله نوری، برخی شاگردان آخوند خراسانی نظیر میرزای نائینی، به طور کلی از همه فعالیت‌های مشروطه‌خواهی خود کناره گرفتند (حائری، ۱۳۶۴: ۱۵۰). بدین ترتیب، برای مدت‌های طولانی فقیهان از همه عرصه‌های حقوقی-سیاسی فاصله گرفتند و عکس‌العمل در خورتوجهی به‌جز آنچه سیدحسن مدرس بعدها در مقابل انحرافات نظام سلطنتی از مسیر مشروطه‌خواهی در زمان پهلوی اول نشان داد، انجام نگرفت (شیانی، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

۳. متمم قانون اساسی مشروطه و حق‌های اعطایی به شهروندان

علاوه بر چالش‌ها و جدال‌هایی که بر سر نهادینه شدن مفهوم حقوق شهروندی صورت پذیرفت، نکته دیگری که باید بدان توجه کرد این‌که به دنبال آن جدال‌ها در نهایت متمم قانون اساسی مشروطیت به صورت رسمی به حقوق شهروندان هرچند در ظاهر، تأکید کرد؛ چنان‌که در این قانون، قانون‌گذار به عنوان میثاقی میان نظام سلطنتی و ملت، اقدام به ایجاد محدودیت‌هایی در قدرت پادشاه کرد.

گفتنی است در متمم قانون اساسی مشروطیت مصوب ۱۳۲۵، قانون‌گذار در فصلی تحت عنوان حقوق ملت، به بیان مؤلفه‌های مهم حقوق شهروندی طی هجده اصل^۱ پرداخت. بنابراین، اصول هجده‌گانه مندرج در متمم قانون اساسی مشروطیت را می‌توان از اصول مهم مترقی در زمانه خود به عنوان مدافع حقوق شهروندان در طول یک قرن پیش در نظام حقوقی ایران به‌شمار آورد؛ چراکه اصول مذکور همواره و به صورت ویژه تأکید فراوان بر برخورداری همه شهروندان جامعه ایرانی از حق و حقوق و همچنین اعطای امتیازات شهروندی داشته است. نکته دیگری که درباره این قانون باید بدان توجه کرد، جامعیت نسبی آن است؛ چراکه در اصول هجده‌گانه مرتبط با حقوق اعطایی به شهروندان ایرانی، از حقوق مهمی که قانون‌گذار به آنها توجه کرده است، می‌توان به برخی حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی نظیر تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات اشاره کرد. البته باید اذعان کرد که با پیروزی انقلاب مشروطیت و حتی تدوین متمم قانون اساسی، به طور جدی نمی‌توان قائل به این نظر شد که

۱. اصول هشتم تا بیست‌وششم متمم قانون اساسی مشروطیت.

حقوق شهروندان در آن برهه زمانی بدون کم و کاست برای شهروندان ایرانی تضمین می‌شد؛ چراکه در آن دوران نظام‌های سلطنتی مطلقه حاکم بر جامعه ایرانی نه تنها به احقاق حقوق شهروندان توجهی نداشتند، بلکه گاهی اقدام به نقض یا نادیده گرفتن آنها می‌کردند (جعفری، ۱۳۷۰: ۴۰)؛ چنان‌که حتی در نظام‌های سلطنتی بعدی نظیر سال‌های حاکمیت خاندان پهلوی نیز نه تنها به این مهم توجه نشد، بلکه این اصل بیش از پیش انکار شد. برای مثال، تأسیس شکنجه‌گاه‌های مخوف و تشکیل دادگاه‌های بدون عدالت قضایی و خاطرات مبارزان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی گواه این مطلب است (سلیمانی، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

حقوق شهروندی پس از انقلاب جمهوری اسلامی

پس از ناکام ماندن انقلاب مشروطیت و انحراف از مسیر تعالی حقوق شهروندان، قیام امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۴۲ و روشنگری‌های متفکران دین‌دار حوزه و دانشگاه، زمینه‌ساز جنبشی همگانی بود که در نهایت در سال ۱۳۵۷ ظهور انقلاب اسلامی را به دنبال داشت. طبیعتاً پس از هر انقلابی، نخستین گام ساختاربنندی حقوق اساسی و تدوین مهم‌ترین منبع آن یعنی قانون اساسی، از سوی انقلابیان است. از این رو، بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام، طی پیامی به مجلس خبرگان با تأکید بسیار بر صبغه اسلامی، لزوم تدوین متن قانون اساسی را مشروط به رعایت خصوصیات همچون حفظ حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت و حمایت از آن، دوری از تبعیض‌های ناروا و پیش‌بینی همه نیازهای شهروندان بر مبنای شریعت مقدس اسلامی کردند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۲۴).

تحت تأثیر رهنمودهای امام راحل علیه السلام، سه مؤلفه و حق «مدنی»، «سیاسی» و «اجتماعی» به‌عنوان مهم‌ترین حقوق بنیادین شهروندی به ملت ایران اعطا شد، که در ادامه به بررسی شاخص‌ها و تضمینات مهم آن در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

۱. اصل مساوات در شریعت اسلامی؛ مبنای تحول و تضمین حقوق شهروندی در انقلاب

اسلامی

یکی از اصول بنیادی نظام‌های مبتنی بر شریعت اسلامی، اصل «مساوات» و «برابری» است؛ چنان‌که می‌توان در این باره برخلاف دیگر مکاتب فلسفی، برای برابری ارزش‌های

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی انسان‌ها میزان تفاوتی را دید که انقلاب اسلامی برای اهمیت به ارزش‌های والای بشری برشمرده است (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۳۰۰).

شاخص‌های مهم آن عبارت‌اند از:

الف) مساوات در قومیت و نژاد: شریعت اسلامی برخلاف همه نظام‌ها و مکاتب موجود در دنیا، همواره بر این باور بوده است که از دیدگاه خداوند متعال، تمام موجودات و افراد و جوامع بشری یک‌سان‌اند، و غیر از او، آفریدگاری برای آنها وجود ندارد؛ چنان‌که در آیه ۱۶۳ سوره بقره به صراحت به این موضوع اشاره شده است.^۱ با استناد به این آیه، دیدگاه رایج در شریعت اسلامی را می‌توان این‌گونه استنباط کرد که تفاوت‌های ظاهری به هیچ عنوان موجب نمی‌شود که در حقیقت ذات انسان‌ها تفاوتی به وجود آید (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۵۹). بر این مبنا، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از شریعت اسلامی است، قانون‌گذار نیز ضمن توجه به این موضوع و اصول متعددی از قانون اساسی، همه حقوق فردی و اجتماعی آنها را با هم برابر شمرده است؛ چنان‌که در اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، درباره نبود تبعیض در میان ملت ایران گفته است: «مردم از هر قوم و قبیله‌ای که باشند، از حق و حقوق مساوی برخوردار می‌گردند. بنابراین، رنگ، نژاد و... موجب امتیاز نخواهد شد» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۸۰)؛

ب) مساوات در حقوق و اجرای قوانین: در هر جامعه انسانی، افراد از منظر حالات و استعدادهاى مختلف با هم وجوه متمایزی دارند؛ امری که به نوبه خود منجر شده برخی از آنان مزیت‌های بیشتری برای بهره‌مندی از حقوق اجتماعی داشته باشند (جاوید، ۱۳۸۸: ۵۰). درعین حال، باید توجه داشت که اصل اساسی بر آن است که وجود این چنین تفاوت‌هایی، ماهیتاً به هیچ وجه موجب نمی‌شود که برخی افراد در یک جامعه دمکراتیک در حقوق شهروندی و بعضاً شمولیت اجرای قوانین از امتیازات بیشتری نسبت به هموعان خود بهره‌مند شوند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۶۰). از این رو، در شریعت اسلامی به عنوان اکمل ادیان پیش از خود برای تمام افراد جامعه اسلامی حق و حقوقی یک‌سان در نظر گرفته شده است؛ چنان‌که این موضوع در

۱. خداوند در آیه ۱۶۳ سوره نورانی بقره می‌فرماید: «وَاللَّهُمَّ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛ خدای شما خدای یکتاست».

سیره ائمه اطهار نیز مشهود است (قاضی، ۱۳۹۳: ۸۰). نمونه بارز آن را می‌توان در اعمال حاکمیتی جامعه اسلامی شیعی دید. برای مثال، حضرت علی در زمان خلافتشان در این باره به مالک اشتر نخعی وقتی که او را والی مصر و اطراف آن منصوب نمود، چنین فرمان می‌دهند: «مالک، رحمت و محبت و لطف بر مردم جامعه را به قلبت بفهمان، (بطوری که آن را دریافت کند، نه اینکه در حد یک تصور ذهنی بماند) و برای آنان درنده ای خونخوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری؛ زیرا مردم بر دو صنفند، یا برادر دینی تو هستند یا نظیر تو در خلقت هم‌نوع و برابر با تو می‌باشند» (نهج البلاغه نامه شماره ۵۳ فرمان مبارک امیرالمومنین به مالک اشتر نخعی). لازم به ذکر است، که در این چنین منابع تاریخ حکومت شیعی می‌توان به رفتارهای منصفانه و عادلانه پیشوایان و متقیان با گروه‌های مختلف مردم اشاره داشت، که بررسی سیره علوی بخوبی مبین این است که یکی از مهمترین عوامل جذب حتی ادیان توحیدی دیگر به اسلام در سیره و اخلاق و رفتارهای منصفانه ائمه و پیشوایان الهی نهفته است.

بنا بر تأکید ائمه علیهم‌السلام و بر مبنای شریعت و موازین اسلامی، نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران نیز در برخی اصول خود، ضمن برشمردن حق مساوات در اجرای عموم قوانین بر شهروندان در اصل بیستم، اذعان می‌دارد: «تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد یک‌سان در حمایت قانون قرار دارند و از تمامی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند»؛

پ) مساوات در نوع جنسیت: در ساختار و ماهیت نظام جمهوری اسلامی ایران، تحت تأثیر توجه به مقام و منزلت زن در شریعت اسلامی، به‌صورت ویژه به رعایت تمام و کمال حقوق این قشر توجه شده است (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۸۰)؛ چنان‌که در نظام حقوق اساسی انقلاب اسلامی، به نقش زنان در نهاد خانواده به‌عنوان یکی از بنیان‌های اصلی جامعه توجه شده است. در چنین دیدگاهی، زن به‌عنوان بنیان اصلی خانواده، ارزش و اعتباری نظیر پرورش انسان‌های مکتبی دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۸۹).

در اصل بیست‌ویکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌طور ویژه در راستای حمایت از ارزش والای زن در جامعه، دولت موظف شده حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند.

همان‌گونه که مشهود است، در نظام حقوقی ایران، در تساوی برخورداری زن و مرد از حقوق انسانی، جای هیچ‌گونه شبهه و تردیدی وجود ندارد. پس، نادیده انگاشتن اختلاف‌های موجود میان زنان و مردان در تنظیم حقوق و مسئولیت‌هایشان، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد؛ که در شریعت اسلامی به خوبی پیش‌بینی‌های لازم در خصوص آن صورت گرفته است (شعبانی، ۱۳۷۳: ۹۸).

۲. اصل امنیت در شریعت اسلامی؛ مبنای تحول و تضمین حقوق شهروندی در انقلاب اسلامی
از دیگر شاخص‌های تضمین حقوق شهروندان که پس از انقلاب اسلامی به آن توجه شد، بحث «امنیت» شهروندان است. گفتنی است در انقلاب اسلامی تأمین و تضمین این حق به‌عنوان یکی از وظایف اصلی دولت شمرده شده است؛ به‌گونه‌ای که قانون‌گذار بر مبنای مفاهیم اسلامی، از جنبه‌های مختلفی از آن در اصول تقنینی که مربوط به حقوق شهروندان است، حمایت و آنها را تضمین کرده است (همان: ۸۵). مهم‌ترین آنها بدین شرح‌اند:

الف) امنیت حیثیت: در راستای پاسداری از حفظ حیثیت شهروندان یک جامعه، رهبران آن رسالتی خطیر دارند تا از طرق گوناگون و با وضع قوانین مورد نیاز و همچنین گسترش حیطه اختیارات مراجع قضایی در احقاق حقوق شهروندان، مواردی را که موجب نقض حیثیت شهروندان در جامعه می‌شوند پیش‌بینی کنند (مدنی، ۱۳۸۶: ۸۰). در این باره، در برخی اصول قانونی، نظیر اصل بیست‌ودوم قانون اساسی، تضمین حیثیت و آبروی افراد جامعه اسلامی مد نظر بوده است؛

ب) امنیت جان: مصونیت جانی انسان‌ها در مقابله با تعرضات ناروایی که ممکن است درباره آنها صورت گیرد نیز یکی دیگر از حقوق بنیادی شهروندان در جوامع بشری به‌شمار می‌رود که به‌عنوان یکی از وظایف اصلی نظام‌های سیاسی در نظر گرفته شده است. از این رو، در انقلاب اسلامی، علاوه بر وضع اصول مرتبط با تضمین امنیت جانی شهروندان در قانون اساسی، با تصویب قوانین کیفری نیز مانع اعمال خودسرانه و بدون مجوز شرعی و قانونی شده است (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۴۰). قانون‌گذار اساسی نیز در اصول متعددی از این قانون به حق حیات و امنیت جان شهروندان اشاره و آن را تأیید کرده است؛ چنان‌که به موجب بند ششم از

اصل دوم این قانون، حفظ کرامت و ارزش والای انسانی از پایه‌های ایمانی این نظام قلمداد شده است؛ کرامتی که از طریق احترام به حیات بشر و به قصد ایجاد یک زندگی سالم برای عموم افراد جامعه حاصل می‌شود (ساعد وکیل و عسگری، ۱۳۸۶: ۱۰۰). علاوه بر این، در اصل بیست و دوم نیز به صراحت اعلام شده که جان اشخاص در برابر هرگونه تعرض مصون بوده است؛ مگر اینکه این امر به حکم صریح قانون صورت پذیرد. همان‌طور که از ظاهر اصل مذکور پیداست، از آنجاکه تعرض به حیات آدمی در شریعت و آموزه‌های اسلامی شیعه نفی و سلب حیات آدمی نیز ممنوع اعلام شده، برای زندگی افراد جامعه اسلامی حرمت و ارزش خاصی قائل شده است (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۸۹)؛

پ) امنیت مال: در شریعت اسلامی، مالکیت یکی از اجزای اصلی فطرت و غریزه انسانی به‌شمار می‌رود. در این خصوص، پیامبر اکرم ﷺ نیز در روایتی فرموده‌اند: «الناس مسلطون علی اموالهم». با توجه به این روایت، فقهای اسلام قاعده‌ای فقهی با عنوان قاعده سلطنت تأسیس کرده‌اند که به موجب آن، هر شخصی مالک و صاحب اختیار مال خویش است و مجاز است در چهارچوب و موازین احکام اسلامی، هرگونه که بخواهد از آنها بهره‌مند شود. بر اساس این قاعده فقهی، حق مالکیت افراد در جوامع اسلامی، جنبه شرعی به خود گرفته و از این طریق به رسمیت شناخته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۲۶۰). گفتنی است هرچند در شریعت اسلامی از مالکیت شخصی افراد حمایت‌های ویژه‌ای شده است و مردم در تحصیل اموال مشروع خویش آزاد گذاشته شده‌اند، این امر بدان معنا نیست که هر شخصی از هر طریقی بتواند مالی را به دست آورد، بلکه تحصیل مال از منظر موازین اسلامی، تنها از طرق حلال و مباح صورت می‌پذیرد که به جز رعایت چنین شرایطی، تسلط و مالکیتی را برای اشخاص به دنبال نخواهد داشت. بر همین مبناست که در انقلاب اسلامی ایران، اصل چهلم قانون اساسی بیان می‌کند: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»؛

ت) امنیت مسکن: امنیت اشخاص نه تنها شامل جان، مال و حیثیت افراد می‌شود، بلکه شامل محل سکونت او نیز هست. در دین مبین اسلام، بر موضوع امنیت مسکن و عدم تجاوز به منزل شخصی افراد، تأکید شده است (قاضی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). در این باره، خداوند

متعال در آیه ۲۸ سوره نور چنین می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌ای غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید، مگر آنکه اجازه بگیرید.».

به پشتوانه این طرز تلقی در انقلاب اسلامی نیز حق امنیت مسکن افراد به‌عنوان یکی از حقوق مهم شهروندی به رسمیت شناخته شده است، که به موجب آن، نه تنها اشخاص خصوصی حق تعرض به مسکن کسی را ندارند، بلکه اشخاص عمومی نیز از این کار منع شده‌اند (ساعد وکیل و عسگری، ۱۳۸۶: ۱۲۰).

۳. اصل آزادی در شریعت اسلامی؛ مبنای تحول و تضمین حقوق شهروندی در انقلاب اسلامی

همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، گفتمان‌های صورت‌گرفته در بدو ورود مفاهیم مدرن به نظام حقوقی-سیاسی عصر مشروطه سمت‌وسویی مدرن به مفهوم «آزادی» به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم حقوق شهروندی داشته است. این در حالی است که در انقلاب اسلامی، به طور مستقیم و غیرمستقیم با الهام از شریعت اسلامی، به مفهوم «آزادی» و شاخص‌های آن توجه شده است. ارزیابی هر یک از آنها این‌گونه است:

الف) آزادی در اشتغال: شریعت اسلامی در زمان ظهور خود با قاطعیت تمام به مقابله با سلب آزادی‌ها و رفع بیگاری از انسان‌ها برخاست (ورعی، ۱۳۸۱: ۱۵۰). در انقلاب اسلامی نیز تحت تأثیر این آموزه‌ها و بیانات بنیان‌گذار کبیر انقلاب، امام خمینی^ع، با نگاهی دینی، یکی از مبانی اصلی و اساسی آزادی‌رهایی از قیدوبند استبداد به هر نحو ممکن است؛ چنان‌که به باور امام خمینی^ع، «تمامی انسان‌ها به حسب فطرت خویش خواستار حریت و آزادی می‌باشند». پس، طرح سطوح آزادی دربرگیرنده تمام امور زیست‌شهروندان خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۶۳: ۱۰۰).

بدین ترتیب، با الهام از تعالیم اسلامی و نظریات و توصیه‌های فقهی ارائه‌شده، قانون‌گذار اساسی به آزادی شهروندان در انتخاب نوع شغل و کیفیت آن توجه ویژه‌ای کرده است؛ چنان‌که مطابق با اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر شخصی شغلی را که خود بدان مایل است می‌تواند انتخاب کند، ولی انتخاب نوع شغل مشروط به

این است که هیچ‌گونه مغایرتی با موازین و شریعت اسلامی نداشته باشد؛

ب) آزادی تعلیم و تربیت: رشد و تعالی اخلاقی و معنوی از وظایفی است که حکومت تحقق آن را در جامعه اسلامی برعهده دارد. در نتیجه، ایجاد شرایط برابر و یکسان در راستای نیل به چنین حقی، از وظایف حکومت اسلامی است (ساعد وکیل و عسگری، ۱۳۸۶: ۱۰۰). در راستای تحقق این امر مهم و خطیر در انقلاب اسلامی، قانون‌گذار در اصل سومی، که از اصول مربوط به حقوق شهروندان است، دولت را موظف کرده است از این طریق، وسایل آموزش را برای همه اعضای جامعه اسلامی فراهم آورد و همگان بتوانند به نحو برابر از آنها استفاده کنند؛

پ) آزادی عقیده و بیان: از منظر شریعت اسلامی، از اهداف اصلی اعطای این چنین آزادی‌هایی، نجات یافتن انسان‌ها از بندگی ممنوعان خویش و پذیرش بندگی خداوند به جای آن است. اهمیت این موضوع در اسلام تا جایی است که خداوند متعال در آیه هفده سوره زمر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَبَابِ»^۱. مطابق این آیه و بر اساس روح توحیدی که در نگرش اسلامی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، انسان تنها می‌باید عبد خداوند متعال باشد؛ و این بندگی چنان باشد که انسان اراده خویش را به طور کلی تابع مشیت الهی قرار دهد و آزادی تکوینی خویش را محدود و مقید به خواست خداوند کند. در این صورت است که به زندگی باسعادت در دنیا و آخرت دست می‌یابد. بر این اساس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به ماهیت نظام، قانون‌گذار از جنبه‌های گوناگون از مفهوم آزادی عقیده و بیان بعنوان دیگر مؤلفه‌های تحقق حقوق شهروندی حمایت کرده است؛ به گونه‌ای که برای مثال، در اصل بیست‌وسوم به آزادی عقیده، در اصل بیست‌وچهارم به آزادی مطبوعات و در اصول بیست‌وششم و بیست‌وهفتم به آزادی بیان به صورت دسته‌جمعی اشاره شده است.

۱. «و آنان که خود را به دور از طاغوت می‌دارند تا مبادا آن را پرستش نمایند و به سوی خدا بازگشته‌اند، پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینان هستند که از خردمندان می‌باشند».

نکته پایانی که باید بدان توجه کرد اینکه باتوجه به مبانی و قواعد فقهی که بر نظام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حاکم است، می‌توان دریافت که اعطای حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی به شهروندان، همواره بر دو رکن پذیرش اسلام و پیمان‌پذیری محقق می‌شود. از این جهت در جدولی، به یافته‌های پژوهش حاضر در قالب موارد چالش برانگیز عدم تضمین حقوق شهروندی در انقلاب مشروطه و مواردی که انقلاب اسلامی از طریق آنها تضمینات مفهوم حقوق شهروندی را فراهم کرده اشاره شده است:

جدول ۱: مقایسه عوامل ایجاد چالش تضمین حقوق شهروندی در عصر مشروطه و

تضمین مؤثر آن در انقلاب اسلامی

موارد چالش برانگیز در عدم تضمین حقوق شهروندی در عصر مشروطه	موارد رفع کاستی‌ها و چالش‌های تضمین حقوق شهروندی در انقلاب اسلامی
غربی و وارداتی بودن مفهوم حقوق شهروندی	برداشتی اسلامی از مفهوم حقوق شهروندی
ایجاد فضای دوقطبی موافقان و مخالفان	وحدت نخبگان سیاسی و دینی با مرجعیت امام خمینی <small>علیه السلام</small>
شدت گرفتن اختلافات در بومی‌سازی مفهوم حقوق شهروندی	پاسخ به اختلافات و جریان‌های مخالف با طرح مفاهیمی همچون حقوق ملت
انحراف از مسیر مشروطه‌خواهی	عدم تحریف در اهداف انقلاب اسلامی
سیطره نظام سلطنتی؛ مانعی جهت تحقق اجرای حقوق شهروندی مدنظر قانون اساسی	سیطره نظام اسلامی و مشارکت شهروندان جهت تحقق حقوق شهروندی مدنظر قانون اساسی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سعی نگارندگان بر آن بود که در پاسخ به پرسش اصلی و درباره نحوه تضمین حقوق شهروندی در انقلاب اسلامی باتوجه به چالش‌ها و کاستی‌های نظام‌های پیشین، این فرضیه بررسی شود که تا چه میزان می‌توان از سنت‌ها و شریعت اسلامی به‌عنوان یکی از ابزارهای بنیادی تضمین حقوق شهروندی در انقلاب اسلامی جهت رفع کاستی‌های نظام‌های پیشین در منظومه حقوق اساسی و مهم‌ترین منبع آن یعنی قانون اساسی بهره جست.

به طور کلی، مفهوم حقوق شهروندی از مفاهیم مدرنی است که در عصر مشروطه و در ادبیات حقوقی-سیاسی ایران مطرح شد. بطوری کلی در نظام حاکمیتی ایران با تمام فرازونشیب‌هایی که در طول ادوار مختلف تاریخی داشته است، برای نخستین بار از طریق اندیشه‌های اندیشمندان و مدرن‌گرایان تجددخواه، زمینه‌های نهادینه کردن حقوق و امتیازات شهروندان فراهم نموده و بدین ترتیب نظام حاکمیتی خودکامه وقت را به حکومت مشروطه و قانونی تبدیل نمود. هرچند انقلاب مشروطه طی فرازونشیب‌های فراوان توانست اصول مربوط به حقوق شهروندی را در متمم قانون اساسی مشروطیت مدون‌سازی کند، متأسفانه در عرصه عمل به دلیل نشدن زیرساخت‌های لازم جهت تحدید قدرت حاکمیت مطلق، به رسمیت نشناختن حقوق و امتیازات شهروندی و توجه نکردن بدانها را به دنبال داشت. تحت تأثیر انحراف انقلاب مشروطیت در اساسی‌سازی حقوق شهروندان در مقابل حاکمیت مستبد، انقلاب دوم یعنی انقلاب اسلامی ایران، این بار با نهادینه کردن صبغه‌های ارزشی اسلامی سعی بر آن داشت تا با مدون‌سازی حقوق اساسی خود و منابع مهم آن، نظیر قانون اساسی، ضمن بهره‌گیری از آموزه‌ها و شریعت اسلامی، روابط متقابل میان دولت و احقاق حقوق شهروندان و همچنین حدود و اختیارات قوای حاکمیتی را مشخص کند؛ چنان‌که احقاق این حقوق در فصل جداگانه‌ای تحت عنوان حقوق ملت با تأثیرپذیری از آموزه‌های اسلامی، امتیازاتی را به شهروندان اعطا کرد. البته باید این نکته را نیز متذکر شد که با توجه به روح اسلامیت حاکم بر اصول قانون اساسی جهت احقاق حقوق شهروندان، سایر قوانین موضوعه نیز جهت صیانت از حقوق مزبور تدوین و نهادینه شدند.

پیشنهادها

علاوه بر ابعاد حقوقی-سیاسی نظریات نخبگان و فقهای عصر مشروطیت، لازم است در دیگر حوزه‌ها از جمله تاریخ، افکار و اندیشه‌های مشروطه‌خواهان در شرح و بسط مفاهیم مدرنی همچون حقوق شهروندی بررسی دقیق و بی طرفانه شوند تا از این طریق در کنار موضع‌گیری‌های حقوقی و بعضاً سیاسی بنیان‌گذاران این دست از مفاهیم مدرن در نظام حقوق اساسی ایران، بتوان از سیر تحول سرنوشت تاریخی آنها نیز بهره جست.

در کنار مفهوم حقوق شهروندی نظام حقوق اساسی زایش یافته از انقلاب مشروطیت بر پایه کارکرد بسیاری مفاهیم مدرن نظیر قانون، مجلس، نمایندگی، و تفکیک قوا شکل گرفته است. پس، در فهم این دست از مفاهیم نیز باید به دیگر اصول حقوق اساسی و دیدگاه‌ها و نظرهای فقیهان دینی و اندیشمندان در دوره مشروطیت و به دنبال آن تحولشان در انقلاب اسلامی توجه کرد.

کتابنامه

- آبادیان، حسین (۱۳۷۴). مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعیت، تهران، نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۳). اندیشه‌های طالبوف تبریزی، تهران، دماوند.
- _____ (۱۳۵۶). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطه ایران، تهران، پیام.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۸۸). نظریه نسبیت در حقوق شهروندی: تحلیلی بر اطلاق در حقوق طبیعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰). تحقیق در دو نظام جهانی حقوق بشر، تهران، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴). تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۳). صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ج ۹.
- روحانی، سیدحمید (۱۳۹۳). «جستارهایی در ایده و آرمان شیخ شهید»، ماهنامه شاهد یاران، ش ۱۰۱ و ۱۰۳.
- سلیمانی، علی اصغر (۱۳۹۴). شکنجه در عصر پهلوی (خاطرات زندانیان سیاسی قبل از انقلاب)، تهران، انتشارات والتین.
- شعبانی، قاسم (۱۳۷۳). حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی، تهران، اطلاعات.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۹۶). آزادی و سیاست، تهران، امید فردا.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۶). مبانی حکومت قانون در ایران، تهران، ستوده.

- طباطبایی، منوچهر (۱۳۸۸). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ج ۳.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، نشر میزان، ج ۱۱.
- _____ (۱۳۹۳). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران، نشر میزان.
- نش، کیت (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دل‌افروز، تهران، انتشارات کویر.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴۹.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۰). «حقوق بشر»، در: دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی‌اکبر رشاد، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۶). کلیات حقوق اساسی، تهران، انتشارات پایدار.
- مرادخانی، فردین (۱۳۹۶). خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران (تاریخ مفاهیم و نهادهای حقوق عمومی در ایران)، تهران، نشر میزان.
- مستشارالدوله، میرزایوسف‌خان (۱۳۹۳). رساله یک کلمه، به کوشش آرش جودکی، نسخه دیجیتال، کتابخانه دوال.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب مشروطه ایران، تهران، علمی.
- نجفی، موسی (۱۳۷۸). مقدمه تحلیلی تاریخ تحولات سیاسی ایران (دولت، دین، تجدد)، تهران، منیر.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان.
- _____ (۱۳۸۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر میزان، ج ۱.
- هدایت، مهدی قلی‌خان (۱۳۶۳). طلوع مشروطیت، تهران، جم.